

ساز و کار مبانی دینی در تحقق توسعه قضایی^۱

عذرا خلیلی

مدرس و پژوهشگر

چکیده

حجم کثیر پرونده‌های قضایی، هزینه بالا و اطاله دادرسی، تضییع حقوق متهم و شاکای را در پی دارد و مشکلاتی را فراروی دستگاه قضایی و حکومت اسلامی می‌دهد؛ لذا اولیای امور را بر آن داشته تا بر توسعه قضایی اهتمام ورزیده، به عنوان اقدامی ضروری راهکارهایی نظیر جرم‌زدایی، زندان‌زدایی و قضازدایی را ارائه نمایند؛ لیکن تحقق این امر در عمل با چالش‌هایی مواجه شده است. از آن جا که شاخصه‌های توسعه قضایی و مفهوم آن تداعی‌گر عدالت قضایی برخاسته از متن اسلام ناب محمدی و همسو با عدالت علوی می‌باشد، محورهای عملیاتی آن در صورتی ساز و کار مناسبی جهت تحقق توسعه قضایی محسوب خواهند شد که مبتنی بر اندیشه‌ها و سیاست‌های قضایی اسلام عمل نمایند.

در این مقاله، شاخصه‌های توسعه قضایی تبیین می‌شود و سپس ساز و کار محورهای عملیاتی آن مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد و بر لزوم ملحوظ نمودن روح رأفت اسلام در دادرسی‌ها و اهتمام بر پیشگیری از وقوع جرم، اصلاح، توبه و ترویج فرهنگ عدالت ترمیمی تأکید می‌گردد.

واژگان کلیدی: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

توسعه قضایی، قضازدایی، جرم‌زدایی، زندان‌زدایی، پیشگیری، توبه، عدالت ترمیمی

۱- کار ارزیابی این مقاله در تاریخ ۸۵/۱۱/۷ آغاز و در تاریخ ۸۵/۱۱/۱۸ به اتمام رسید.

توسعه قضایی

توسعه در لغت به معنای فراخ گردانیدن و گسترش دادن و در حقوق به تطبیق با گستره بیشتر (توسعی) اطلاق می‌شود (انصاری، ۱۳۸۴، ص ۷۵۰). بنابراین توسعه قضایی عبارت است از گسترش دادن تحقق عدالت در سیستم قضایی، تحول بنیادین، زیر بنایی و اساسی برای دستیابی به عدالت کارا و اثربخش. دستگاه قضایی زمانی توسعه یافته تلقی می‌شود که ملجأ و مأوای همه کسانی باشد که به آنها ستم شده است. در چنین دستگاهی هیچ مظلومی در ضمیر خود ناامید از عدالت‌خواهی و احقاق حق نیست و هیچ ظالمی آسوده خاطر از عدم تعقیب و مجازات نمی‌باشد. لذا محورهای دهگانه توسعه قضایی به عنوان شاخصه‌های دستگاه قضایی مطلوب، با زیر ساختی در خور اصلاحات مورد نیاز سیستم قضا، این گونه ترسیم می‌شود:

۱- احقاق حقوق عامه و گسترش عدل؛ ۲- سرعت، دقت، بی‌طرفی و عدالت در فصل خصومت؛ ۳- برخورداری همه اشخاص حقیقی و حقوقی از دسترسی به دادرسی و سهولت آن برای همگان؛ ۴- حمایت از حرمت انسانها و برخورداری هر متهمی از حق دفاع؛ ۵- شفافیت و علنی بودن دادرسی؛ ۶- اعتمادسازی و جلب اطمینان مردم و ایجاد زمینه پناه آوردن مردم به دستگاه قضایی؛ ۷- قطعیت احکام و سرعت در اجرای آن؛ ۸- صلاحیت، شایستگی و تأثیرپذیری کادر قضایی؛ ۹- اصلاح مجرمان و سالم‌سازی جامعه از جرم؛ ۱۰- ایجاد امنیت عمومی، ملی و دینی (براتی‌نیا، ۱۳۸۱، ص ۶۹).

مفهوم توسعه قضایی، گسترش عدل در معنای تام آن است. این مفهوم تازه و غریب نیست؛ بلکه ریشه در اعماق فرهنگ و بینش اصیل اسلامی دارد، آنجا که خداوند متعال مؤمنان را به قیام به برقراری قسط و برپایی عدالت امر نموده و آن

را شرط تقوا شمرده است.^۱

توسعه قضایی همان عدالت قضایی و حقیقتی برخاسته از متن اسلام ناب محمدی و همسو با عدالت علوی است؛ عدالتی که امام همام در پرتو آن حتی حقوق کافر را در سایه حکومت اسلامی در نظر گرفته است (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۹۳). لذا توسعه قضایی به حوزه‌ای اطلاق می‌شود که با ابتنا بر مبانی فقهی اسلام و شناخت مقتضیات زمان به علل و عوامل عدم تعادل در خدمات قضایی پرداخته، راهکارهای درونی برقراری عدالت را پیشنهاد می‌نماید.

محورهای عملیاتی توسعه قضایی

۱- جرم‌زدایی^۲

جرم‌زدایی در معنای دقیق کلمه یعنی زدودن بر چسب مجرمانه از یک عمل و رفتار (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۷، ص ۱۷۶). البته ممنوعیت عمل کماکان باقی است؛ لیکن در صورت ارتکاب عمل ممنوعه، با ابزارهای کیفری به آن پاسخ داده نمی‌شود. جرم‌زدایی از لوازم توسعه قضایی محسوب می‌شود و ارتباط نزدیک و دو سویه با قضازدایی و کیفرزدایی دارد؛ زیرا بنابر مفهوم مخالف اصل ۳۶ قانون اساسی تخلفاتی که دارای عنوان جرم نباشند، مآلاً از حوزه رسیدگی قضایی و اعمال کیفر خارج خواهند شد؛ لیکن امروزه مقررات اداری، بهداشتی، اقتصادی و مالیاتی زیادی وجود دارد که نقض آنها دارای ضمانت اجرای کیفری است، در حالی که تقریباً تمامی جرم‌شناسان معتقدند که ارتکاب این اعمال نباید جرم تلقی گردد. زیرا عنوان جرم تنها در جایی صادق است که به دلایل محکم یا تابع دستورهای شرعی و آیین‌نامه‌های فقه اسلامی باشد، یا حیات اجتماعی جامعه را به خطر اندازد؛ در حالی که در قوانین جزایی کشور عناوین بی‌شماری جرم تلقی شده‌اند

۱- «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط ولا یجرمنکم شنئان قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی واتقوا الله

ان الله خبیر بما تعملون» (مائده، ۸).

۱- Decriminalisation

که با دیدگاه اجتماعی اسلام سازگاری ندارد (پورهاشمی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۳). راهکار پیامبر اکرم (ﷺ) در جرم‌زدایی بر اساس «بغثت المسحه» شکل گرفته است آنجا که می‌فرماید «ادروا الحدود عن المسلمين ما استطعتم فان كان له مخرج فخلوا سبيله فان الامام ان يخطيء» فی‌الغیر خیر ان یخطيء فی‌التقویه» (محمدی ری شهری، ۱۴۱۶ هـ ج ۲، ص ۱۹۸).

اندیشه پیامبر (ﷺ) که به قاعده «درأ» معروف است، از کارآمدترین و عمده‌ترین قواعد حاکم بر نظام جزایی اسلام است. در اسلام ذات عدالت و قانون از یک منبع الهی و وحیانی منتزع شده است و تضاد و تعارضی را میان عدالت و قانون بر نمی‌تابد، لذا در سیاست قضایی اسلام تعقیب مطلوبیتی ندارد و اقدام به تجسس خود فعل مجرمانه محسوب می‌گردد و اصل بر عدم افشا و اشاعه و سعی در اغماض و پرده‌پوشی به لحاظ حفظ حرمت انسان‌ها است. اسلام دین ستاریت و پوشش عیوب است و اسلوب قانونگذاری آن ملفوف با رحمت و مغفرت است؛ لذا توسل به ابزارهای رسمی دادگستری برای مبارزه با بزه و جرم‌انگاری، مطلوب سیستم دادرسی اسلام نمی‌باشد.

از نظر شهید مطهری رعایت قانون و اجرای حقوق در جامعه قوام و تداوم ساختارهای اساسی جامعه و حکومت را در پی خواهد داشت (مطهری، ۱۳۶۲، ص ۱۷۳). حقوق تنها در متون حقوق و قوانین مصوب خلاصه نمی‌شود؛ بلکه منشأ حقوق در همه گسترده‌های اجتماعی و فرهنگی مردم ریشه دارد. لذا قواعد قضایی یک کشور بیش از مذهب و هنر و زبان، سرشت نهانی گروه‌های اجتماعی را نشان می‌دهد (برول، ۱۳۷۱، ص ۴۵). لذا قانون اگر مبنا و اساس فطری و الهی داشته باشد و از دینامیسم زنده بهره‌مند باشد می‌تواند خطوط اصلی زندگی را ترسیم نماید و با تغییرات زندگی هماهنگ باشد.

بدون تردید وقوع جرم در جامعه محصول بسترهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و معلول عواملی چون فقر، بیکاری، بیسوادی، مهاجرت و اختلاط فرهنگ‌های مختلف است و با وجود علل و زمینه‌های ارتکاب جرم در جامعه، تکثیر عناوین مجرمانه و اعمال مجازات عمدتاً تأثیر چندانی در ارباب مجرمان و

کاهش وقوع جرم نخواهد داشت، تاریخ نشان داده است که حتی شدیدترین مجازات‌ها هم نتوانسته است به وسیله ارباب از وسعت دامنه جرایم بکاهد. به مصداق «*الانسان حریص علی ما منع منه*» انسان‌ها راه فرار از قوانین را می‌یابند. لذا قانونگذار باید ناظر به علل وقوع جرم نیز باشد.

از طرفی تنها با مقایسه قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲ و سال ۱۳۷۵ به نظر می‌رسد مقنن سال ۱۳۷۵ به حبس‌زایی و جرم‌انگاری بیشتر از حبس‌زدایی و جرم‌زدایی توجه و تأکید نموده است.

مقایسه دو قانون مزبور در ۲۹ مورد، این نتایج را به دست می‌دهد: افزایش میزان حبس ۳۵ مورد، کاهش میزان حبس ۱۱ مورد، جرم‌انگاری با ضمانت اجرای حبس ۶۱ مورد، جرم‌زدایی ۷ مورد، در نظر گرفتن عذر قانونی توبه ۲ مورد، تخفیف و معاف از مجازات ۳ مورد، حبس‌زایی ۴۶ مورد (محمد نژاد، ۱۳۸۴، ص ۳۶). همان طور که ملاحظه شد از آن جهت که در قانون‌گذاری کیفری روح رأفت و اصلاح‌گرایانه اسلام نادیده گرفته شده است، دامنه عناوین کیفری گسترش یافته و به اعمال کیفر و جرم‌انگاری بیش از اصلاح و پیشگیری پرداخته شده است. فوکو می‌نویسد «عدالت از تنبیه کسانی که محکوم می‌کند، شرمسار است. اکنون همین بزهکاری یعنی این ناهنجاری، این انحراف، این خطر محض، این بیماری و این شکل از هستی است که به هنگام بازنویسی قوانین باید آن را در نظر گرفت. بزهکاری انتقام زندان از عدالت است» (فوکو، ۱۳۷۸، ص ۳۱۷).

۲- قضازدایی^۱

قضازدایی ساز و کاری است که اثر آن خارج کردن مظنون و متهم به ارتکاب جرم از فرآیند رسیدگی قضایی کیفری است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۷، ص ۱۴۱). غایت جنبش قضازدایی به عنوان یکی از محورهای عملیاتی توسعه قضایی آن است که در مرحله رسیدگی به جای توسل به دستگاه رسمی عدالت کیفری این وظیفه بر

۱- Deversion

عهده سایر سازمان‌های اجتماعی، نهادهای مدنی و شوراهای مردمی گذاشته شود و به عبارتی ترکیب (دولت - ملت) یک «سیاست جنایی مشارکتی» را در جهت پیشگیری از وقوع بزه و مبارزه با جرایم شکل دهد (رمگشا، ۱۳۸۵، ص ۱۴).

بی‌تردید زمانی که قضازدایی در چارچوب سیاست جنایی تقنینی صورت گیرد، با خارج شدن رفتار از فرآیند قضایی، ضمانت اجرای کیفری نیز برداشته می‌شود (کیفرزدایی) و با حذف آن، عنوان مجرمانه نیز از رفتار سلب خواهد شد (جرم‌زدایی). از این رو در این مبحث ساز و کار محورهای اساسی قضازدایی در راستای تحقق توسعه قضایی مورد بررسی و نقد نیز قرار می‌گیرد.

الف - شوراهای حل اختلاف

با تصویب ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹/۱/۱۷) و آیین نامه اجرایی آن گامی مهم در جهت تحقق قضازدایی برداشته شد و رسیدگی به پاره‌ای از دعاوی به شوراهای حل اختلاف واگذار گشت. ناگفته نماند، حل و فصل دعاوی از طریق نهادهای سازش و داوری سنتی و غیررسمی و بدون توسل به مقامات حکومتی قدمتی تقریباً به اندازه عمر بشر و تاریخ دارد و امروزه در نظام‌های حقوقی غالب کشورها از جمله انگلیس، آلمان، فرانسه، هند، شوروی سابق، چین و... علاوه بر سیستم رسمی دادگستری، نهادهای مردمی به حل و فصل اختلافات مشغولند. در ایران نیز از دیرباز شیوه داوری مردمی مورد احترام و اقبال عمومی بوده است (رنه، ۱۳۶۹، ص ۳۲۹). قرآن کریم از آن به اصلاح ذات‌البین تعبیر می‌نماید^۱ و رجوع به داور یا قاضی تحکیم در فصل تخاصمات اعم از کیفری و حقوقی مورد توصیه شرع مقدس اسلام قرار گرفته است.^۲ ادله اربعه نیز بر مشروعیت آن دلالت می‌نماید (الحرالعاملی، ۱۴۱۴ هـ ج ۱۸، باب ۱، حدیث ۵). هم چنین آیات ۸۳ سوره شورا و

۱- «انما المؤمنون اخوه فاصلحوا بین اخویکم» (حجرات، ۱۰)؛ «فاتقوا الله و اصلحوا ذات بینکم» (انفال، ۱).

۲- «و ان حفتن شقاق بینهما فابینوا حکما من اهله و حکما من اهلها» (نساء، ۳۵).

۵۹ آل عمران، اصل شورا را به عنوان شیوه معقول در مدیریت جامعه اسلامی معرفی می‌نماید و سیره پیامبر اکرم (ﷺ) و ائمه معصوم علیهم‌السلام نیز حاکی از اطراد این سنت اسلامی در تمام شؤون اجتماعی، سیاسی و حکومتی از جمله امر مهم قضاوت می‌باشد. لذا اکثر فقها با استناد به اصل جواز، اصل عدم اشتراط وحدت قاضی، نیایی بودن امر قضا، اوثق بودن قضای شورایی و عموم ادله، قضاوت شورایی را جایز می‌دانند. بر این اساس دادگاه‌های تجدید نظر، جنایی و دیوان عالی کشور به صورت تعدد قاضی تشکیل می‌شوند؛ لذا شوراهای حل اختلاف، چه از جنبه داور و تحکیم در اصلاح ذات‌البین و چه از جنبه تعدد قاضی از خاستگاه متقن فقهی برخوردار بوده، ماهیتاً همسو با سیاست‌های قضایی اسلام می‌باشد؛ برخی از حقوقدانان (رمکشا، ۱۳۸۵، ص ۱۷)، در وضعیت حاضر که با نقصان کارآیی نظام قضایی و تضییع حقوق متهم و شاکی مواجه می‌باشیم، این نهاد مردمی را منجی دستگاه قضایی دانسته، مزایایی را برای آن ذکر می‌نمایند از جمله:

- دخالت دادن قوای حاکم در ایجاد شوراها و انتخاب اعضا که در نهایت منجر به ایجاد یک تفاهم کلی می‌گردد.
- گسترش اعتمادسازی مردم به دستگاه قضایی.
- کوتاه کردن فرآیند زمان دادرسی و احقاق حقوق مردم با در نظر گرفتن سیستم دادرسی در اسلام.
- مشارکت مردم در حل امور قضایی و مرافعات و نهادینه کردن مشارکت مردم.
- کاهش ورودی پرونده‌ها به دادگستری و کاهش کار دستگاه قضایی.
- کاهش تصدی‌گری قضایی.
- ایجاد فرصت برای دستگاه قضایی، به جهت بهبود کیفیت دادرسی و توجه جدی به اصل پیشگیری از وقوع بزه.
- رایگان بودن فرآیند دادرسی.

- ایجاد صلح و سازش بین طرفین و به طور کلی ایجاد فرهنگ صلح و سازش در جامعه.

- سعی در رفع اختلاف از طریق کدخدانمنشی بدون مراجعه به مراکز قضایی. به طور کلی این شوراها با هدف احیای فرهنگ ناب و اصیل اسلامی داوری مردمی، پا به عرصه وجود گذاشته‌اند تا با تحقق این امر از طرح دعاوی ساده در مراجع قضایی جلوگیری شود و در نهایت، فرهنگ صلح و سازش در جامعه ایجاد گردد و اختلافات بدون تشریفات دادرسی و از طریق کدخدانمنشی به صورت رایگان انجام پذیرد؛ به علاوه خود مردم در این فرآیند، مشارکت داده شوند.

با این وجود معایبی نیز برای شوراهای حل اختلاف قابل ذکر است؛ از جمله:
عدم استقلال اعضا - مطابق ماده ۲۲ آیین‌نامه اجرایی شوراها، رییس حوزه قضایی بر حسن جریان امور نظارت می‌نماید. این امر، امکان سوء استفاده از نظارت فوق را فراهم می‌آورد و چه بسا اعضای شورا را به عنصر مطیع رییس حوزه قضایی مبدل کرده و استقلال ایشان را دچار خدشه نماید. در حالی که استقلال قاضی از اصول بسیار مهم در رویه قضایی اسلام می‌باشد و در قانون اساسی نیز به آن اشاره شده است.

فقدان مصونیت قضایی اعضا - در هیچ یک از مواد آیین‌نامه اجرایی شورا سخنی از مصونیت اعضای شورا به میان نیامده است و این امر تالی‌های فاسدی را در پی خواهد داشت؛ از جمله امکان دارد محکوم‌علیه با ایجاد توطئه، پرونده‌سازی و ارباب، مشکلاتی را برای اعضا فراهم آورد و دیگر اینکه اعضا به لحاظ عدم مصونیت مرعوب و منقاد جریان‌های ذی‌نفوذ شوند.

عدم تخصص قضایی - به موجب بند ح ماده ۵ آیین‌نامه، آشنایی نسبی با موازین فقهی و حقوقی برای عضویت کافی است.

لذا اصل بر عدم تخصص می‌باشد از این رو گزینش افراد غیرمتخصص و ناآشنا به موازین قانونی برای تصدی این سمت امر رسیدگی را با مشکل مواجه خواهد نمود.

اجباری بودن مراجعه به شورا - این امر نه تنها مغایر با اصول ۳۴ و ۳۶ قانون اساسی است، بلکه اجباری بودن آن منجر به عدم توفیق این فرآیند در مرحله عمل خواهد شد.

انتصابی بودن اعضای شورا - مطابق ماده ۴ آیین‌نامه، فرآیند تعیین و عضویت اعضا یک فرآیند انتصابی است، نه انتخابی؛ لذا اعضا نماینده حکومت هستند نه نماینده مردم و این امر با اصل ۱۰۰ قانون اساسی و مبانی و اصول حاکمیت مغایرت دارد.

قابل تغییر بودن اعضای شورا - مطابق ماده ۴ آیین‌نامه، مدت عضویت اعضا ۳ سال می‌باشد؛ این امر ممکن است منجر به تمکین اعضای شورا از مقامات انتخاب کننده گردیده، استقلال آنها را خدشه‌دار نماید و چه بسا اعضا به لحاظ مناسباتی از احقاق حق باز مانند.

اصل قطعیت آرای صادره - مطابق بند ۱ ماده ۱۸ آیین‌نامه، حق تجدید نظرخواهی، مشروط به موافقت اکثریت اعضای شورا بوده و اصل بر عدم قطعیت آراست. از آنجا که اعضا آرای را که صادر می‌نمایند، صحیح و مطابق با قوانین و موازین می‌دانند، امکان دارد تجدید نظرخواهی را غیرضروری بدانند؛ لذا این شیوه تجدید نظرخواهی ممکن است باعث تضییع حقوق مردم شود.

شفاف نبودن ماهیت غیرقضایی - در بیان قانون و آیین‌نامه اجرایی آن، اموری که ماهیت غیرقضایی دارند، کاملاً مشخص نشده‌اند. از طرفی بند الف ماده ۷ آیین‌نامه، اموری را که در صلاحیت مراجع غیرقضایی است، مثل دعاوی کارگر و کارفرما، ثبتی، ... کماکان در صلاحیت مراجع سابق قرار داده است. گذشته از امور فوق ایرادهای دیگری نیز بر آیین‌نامه مورد بحث وارد است که ذکر آن از حوصله این مقاله خارج است؛ مضاف بر اینکه ابهاماتی در ماهیت شوراهای حل اختلاف و تعارض برخی مواد آیین‌نامه با اصول قانون اساسی به عنوان ام‌القوانین وجود دارد که ایجاب می‌کند قانونگذار با ابتنا بر مبانی شرعی و

استفاده از اسلوب پیشرفته ضمن زدودن این ایرادها بر قوام و ارتقای سطح کارکرد این نهاد بیفزاید.

ب - سازمان تعزیرات حکومتی

از دیگر اقدامات لازم در جهت قضازدایی، سلب صلاحیت رسیدگی به طیف وسیعی از رفتارهای ممنوع در عرصه فعالیتهای اقتصادی و بازار از دستگاه قضایی و تفویض اختیار رسیدگی آنها به یک سیستم تشکیلاتی اداری و زیر نظر قوه مجریه یعنی سازمان تعزیرات حکومتی است؛ بدینسان تخلفات اقتصادی با سرعت بیشتر و بدور از تشریفات طولانی رسیدگی می‌شود؛ زیرا اطلاع رسیدگی در این قبیل تخلفات منجر به مشکلات دیگری از جمله رشد تورم، بروز مشکلات در حیطه مالیات‌ها و گسترش احتکار و گران‌فروشی در جامعه می‌شود. لیکن اگر چه قانونگذار با تأسیس سازمان تعزیرات حکومتی از سیاست «قضازدایی تقنینی» پیروی کرده، اما این مسأله در برخی موارد لزوماً به معنای «کیفرزدایی» نبوده است؛ در قانون تعزیرات حکومتی و آیین‌نامه‌های مربوطه نه تنها در اغلب موارد از زبان حاکم بر حقوق کیفری استفاده شده بلکه در پاسخ به عدول از برخی محدوده‌های ممنوع قانونی از ضمانت اجرای خاص نظام کیفری مثل حبس استفاده شده است.^۱ بدین‌سان ملاحظه می‌شود که قانونگذار با استفاده از ضمانت اجرای مختص نظام کیفری، مرزهای قلمرو کیفری و قلمرو اداری - اجرایی را از میان برداشته است.

۱- به طور مثال بند ب ماده ۱۸ قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۶۷/۱۲/۲۳ برای متخلفان مجازات حبس ۶ ماه تا ۳ سال و با شرایطی تا ۱۰ سال را معین کرده است. همچنین ماده ۵۲ قانون فوق مقرر می‌دارد «تخلفاتی که در این قانون پیش‌بینی نشده‌اند، تابع قوانین و مقررات جاری کشور می‌باشند و هر گاه برای تخلفات مذکور در این قانون در سایر قوانین، کیفر شدیدتری مقرر شده باشد، مرتکب به کیفر اشد محکوم خواهد شد. یکی از مجازات‌هایی که با استفاده از این ماده قابل اعمال است، کیفر حبس می‌باشد». علاوه بر این در قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مصوب ۶۷/۱۲/۲۳ برای مواردی مجازات حبس تعیین شده است که از آن جمله می‌توان به مواد ۱، ۳۶، ۳۹، ۴۰ اشاره کرد.

همان طور که گفته شد، قضازدایی در رسیدگی به تخلفات تعزیرات توأم با کیفرزدایی نیست و بین سیستم کیفری و نظام اداری نوعی تداخل ایجاد شده است. بر این اساس قطعنامه چهاردهمین کنگره بین‌المللی حقوق کیفری ۱۹۸۹ بیان می‌دارد «حقوق اداری کیفری در آنجا که ضمانت اجراهای سرکوبگر پیش‌بینی می‌کند، به حقوق کیفری نزدیک می‌شود و این تشابه ایجاب می‌کند، اصول پایه حقوق کیفری ماهوی و اصول دادرسی عادلانه در حقوق اداری کیفری نیز اعمال شود (میری دلماس، ۱۳۸۱، ص ۴۰).

مضاف بر اینکه وجود خلأهای قانونی در آیین دادرسی سازمان تعزیرات حکومتی، حقوق متهمان و محکومان را در فرآیند رسیدگی به خطر می‌اندازد؛ زیرا در برخی موارد قانونگذار از اصول حاکم بر ترتیب دادرسی عادلانه تا حدودی عدول نموده است. در این زمینه می‌توان به حق تشدید مجازات توسط شعب تجدیدنظر (ماده ۲۵)^۱ و امکان محکومیت توأمان یک نفر در شعب تعزیرات حکومتی و محاکم دادگستری (ماده ۲۶)^۲ اشاره کرد. لذا باید بین ساده کردن تشریفات رسیدگی از یک سو و رعایت حقوق دفاعی متخلفان و محکومان از سوی دیگر، نوعی توازن و تعادل ایجاد شود؛ زیرا سازمان تعزیرات حکومتی نه تنها مجهز به ضمانت اجراهای خاص کیفری است، بلکه بسیاری از ضمانت اجراهای غیرکیفری مقرر در آن نیز از خصیصه تنبیهی و سرکوبگر برخوردارند.

۳- حبس زدایی

طبق گزارش ارائه شده توسط دفتر بررسی‌های حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، در حقوق کیفری ایران حدود ۱۲۰۰ عنوان مجرمانه وجود

۱- شعب تجدیدنظرخواهی در صورتی که آرای شعب بدوی را کمتر از مجازات مقرر قانونی بدانند، می‌توانند آن را تشدید نمایند.

۲- هرگاه تخلف اشخاص عنوان یکی از جرایم مندرج در قوانین جزایی را نیز داشته باشد، شعب تعزیرات حکومتی برای رسیدگی به آن جرم به دادگاه صالح اعلام می‌دارند هر گونه محکومیت در مراجع قضایی مانع اجرای مجازات‌های تعزیرات حکومتی نخواهد بود.

دارد که برای ۴۰۰ مورد آن مجازات حبس پیش‌بینی شده است و نتیجه آن این است که در هر ۵ ثانیه یک نفر به زندان می‌رود و زندان‌های کشور ۴ تا ۶ برابر ظرفیت خود، زندانی جای داده‌اند (جوانفر، ۱۳۸۴، ش ۴۷، ص ۴۵). افزون بر قوانین جزایی، دستگاه‌های دیگر چون وزارتخانه‌ها و کمیسیون‌های مجلس به جرم‌انگاری‌هایی دست یازیده‌اند که مجازات حبس را در پی داشته است.

حبس محور بودن قوانین و در نتیجه تراکم جمعیت کیفری زندان‌ها مشکلات عدیده‌ای را به وجود آورده، و نه تنها بار سنگینی را بر نظام عدالت کیفری تحمیل نموده، بلکه اجتماع را نیز در معرض اثرات و تبعات سوء ناشی از زندان قرار داده و خانواده‌ها را نیز مع‌الواسطه مجازات نموده است. این امر مغایر با آیه کریمه «ولاتنر وازره وزر أخری» که در پنج سوره قرآن تکرار شده و حاکی از اصل شخصی بودن مجازات‌هاست، می‌باشد (انعام، ۱۶۴؛ اسراء، ۱۵؛ فاطر، ۱۸؛ زمر، ۷؛ نجم، ۳۸).

ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی به قضات اجازه داده است با احراز جهات مخففه، مجازات تعزیری یا بازدارنده را به نوع دیگر تبدیل کنند. این قانون در جای خود محل بحث و بررسی است؛ لیکن در عین حال می‌تواند برای قضات کشور ابزارهایی جهت جایگزین نمودن مجازات زندان ارائه نماید. لذا اصلاح و پالایش قوانین موضوعه با محوریت حبس‌زدایی امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. در این راستا بکارگیری جایگزین‌های زندان در دو مرحله قبل و پس از محاکمه یکی از سیاست‌های قضایی است که نه تنها از تراکم جمعیت کیفری زندان و تبعاً زیان‌های ناشی از آن می‌کاهد، بلکه نظام عدالت کیفری را از تحمل بار سنگین مالی و اداری اداره زندانی موجود و ضرورت افزایش تعداد زندان‌ها می‌رهاند.

جایگزین‌های حبس قبل از محاکمه (بازداشت موقت)

نوع نگرش شریعت مقدس اسلام به متهم یکی از مسائل قابل توجه و اثرگذار در کیفیت دادرسی محسوب می‌شود؛ زیرا مادام که جرمی اثبات نشده اصل بر عدم است؛ اسلام مجازات را قبل از اثبات جرم جایز نمی‌داند و حتی در اتهام به قتل عمد حبس متهم را بیش از ۶ روز جایز نمی‌داند (طوسی، بی‌تا، ص ۷۴۴). پذیرفتن اصولی چون برائت، اباحه، درأ و... زاینده همین طرز تفکر و تلقی است. مثبت‌نگری و حسن ظن در اسلام تا بدانجاست که حتی پس از وقوع جرم، قاضی موظف به درأ کیفر در موارد حدوث شبهه می‌باشد و این ویژگی منحصر به فردی است که نظام قضایی اسلام را متمایز از سایر سیستم‌های قضایی موجود قرار داده است.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نامه به مالک اشتر برای انتخاب قضات اموری را متذکر شده، سیمای قضات صالح را این گونه ترسیم می‌نماید^۱ «برای قضاوت برترین فرد را انتخاب کن ... که در شناخت مطالب با تحقیقی اندک رضایت ندهد و در شبهات از همه با احتیاط‌تر عمل کند و در یافتن دلیل اصرارش از همه بیشتر باشد» (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۵۷۷). پایبندی به حجت و دلیل شرعی در صدور حکم، عبارت اخراجی (متمم) اصل قانونی بودن و از مبانی و اصول راهبردی سیاست جنایی اسلام است که آن جناب رعایت دقیق آن را برای قضات یادآور می‌شود؛ زیرا بر اساس قاعده درأ در تمام موارد شبهات حکمیه اعم از بدویه یا مقرون به علم اجمالی توقف قاضی از صدور حکم مطلوب شارع است؛ این در حالی است که سالانه قریب به هفتصد هزار نفر حتی قبل از اثبات جرم و به عنوان بازداشت موقت وارد زندان می‌شوند و این امر مغایر با موازین شرعی و اصول ۳۲ و ۳۷ قانون اساسی می‌باشد. حال اگر میانگین تعداد خانواده این افراد را پنج نفر در نظر بگیریم، سالانه حدود سه میلیون و پانصد هزار نفر به واسطه توسل به قرارهای بازداشت موقت در معرض تبعات و اثرات سوء زندان قرار می‌گیرند. این امر لزوم بازنگری در مواد قانونی و تقنین مواد مربوط به جایگزین‌های زندان را

۱- «...ثم اختر للحکم من الناس افضل...».

در مرحله قبل از محاکمه، ایجاب می‌نماید. به تصریح ماده ۱۳۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، قرارهای جایگزین بازداشت موقت فقط به ۴ مورد التزام با قول شرف، تعیین وجه التزام، کفالت و وثیقه محدود شده است و بدیهی است که این موارد ناکافی بوده، پاسخگوی وضعیت حاضر با کثرت عناوین مجرمانه نمی‌باشد؛ از سوی دیگر در صورتی که متهم توانایی سپردن وجه التزام یا معرفی کفیل یا وثیقه‌گذار را نداشته باشد، لاجرم راهی جز رهسپار شدن به زندان ندارد.

لذا قانونگذار باید با در نظر گرفتن جمیع جهات، از جمله حقوق متهم و شاکی خصوصی و با هدف اجرای عدالت کیفری و تحقق امنیت و عدالت اجتماعی و اثرات مخرب زندان (حتی به صورت موقت) تدابیر دیگری را در تأمین هدف حبس‌زدایی بیندیشد. این تدابیر و تمهیدات به تناسب بزه انتسابی به متهم به گونه‌های متفاوتی قابل اجراست. توقیف گذرنامه، ممنوعیت از رانندگی و توقیف گواهینامه، مسدود شدن حساب بانکی، الزام به درمان اعتیاد، اقامت در نقطه‌ای معین، یا ممنوعیت از رفتن به مناطق خاص، معرفی شخص به مقامات قضایی در مقاطع و فواصل زمانی خاص، توقیف پروانه کسب، مانع شدن از ملاقات با افرادی که بازپرس تعیین می‌کند، کنترل الکترونیکی و غیره می‌توانند از جمله قرارهای جایگزین بازداشت موقت محسوب شوند.

جایگزین‌های حبس پس از محاکمه

کنار گذاشتن و حذف کیفرهای بدنی، تکثیر عناوین مجرمانه، حبس‌گرایی مفرط در اعمال مجازات‌های کیفری و بی‌تمایلی قضات به استفاده از نهادهایی چون تعلیق و تخفیف مجازات، زندان‌های ایران را مملو از تعداد قابل توجهی از بدهکاران مالی، مرتکبان جرایم غیرعمدی، صادرکنندگان بی‌تقصیر چک‌های بی‌محل و نظایر آنها کرده است. البته این افراد را نمی‌توان به مفهوم واقعی کلمه جنایتکار و مستحق تحمل حبس با شرایط سخت آن دانست. این در حالی است که

از نظر شرع مقدس اسلام، بدهکار معسر در صورت اثبات تنگدستی و عجز از پرداخت بدهی آزاد می‌شود (صدوق، ۱۴۰۴ هـ ج ۱-۲، ص ۱۹؛ طوسی، ۱۳۹۰ هـ ج ۴، ص ۱۹، ص ۲۳۹). اهداف شریعت از تشریح نظام قضایی که همانا اصلاح نفوس، جبران خسارت و تحقق عدالت و امنیت اجتماعی است، با ابزارهای دیگری غیر از حبس نیز تأمین خواهد شد. اصلاح و پالایش قوانین با هدف زندان‌زدایی و استفاده از جایگزین‌های مجازات زندان یکی از تدابیری است که قانونگذار را در دستیابی به

اهداف مورد نظر شرع یاری خواهد نمود.

امروزه در بسیاری از نظام‌های جزایی جایگزین‌های گوناگونی برای محکومیت به حبس در نظر گرفته شده است؛ از جمله:

- ۱- کیفر نقدی.
- ۲- انجام خدمات عام‌المنفعه رایگان توسط بزهکار و به نفع جامعه به جهت جبران ضرر و زیان ناشی از بزه ارتكابی.
- ۳- کیفرهای محدودکننده فعالیت شغلی، در صورتی که جرم فرد ناشی از شغل وی باشد.
- ۴- کیفرهای محدودکننده اقامت بزهکار در محلی معین.
- ۵- کیفرهای تعلیقی^۱.

جایگزین‌های دیگری نیز برای محکومیت حبس در نظر گرفته شده است؛ از جمله بازداشت در منزل، آزادی محدود، آزادی با مجوز و دیگر شکل‌های بازداشت ناپیوسته، عفو مشروط، محرومیت موقت از بعضی حقوق اجتماعی، ضبط گذرنامه، ممنوعیت خروج از کشور، ضبط وسایل نقلیه، نظام نیمه آزادی، نگهداری در مؤسسه‌های خارج از زندان، کیفرهای پایان هفته، مرخصی از زندان

۱- شایع‌ترین جایگزین‌های زندان محسوب می‌شود و سه نوع هستند. الف - تعلیق مجازات؛ ب - تعلیق مراقبتی یا نگهداری در مراکز خاص یا تحت نظارت مددکار اجتماعی یا مأموران؛ ج - تعلیق مجازات بدون صدور حکم که شکل خفیف شده راه کار اول است.

برای کار خارج از زندان، حبس در منزل، تعلیق مجازات اعم از ساده و مراقبتی، ممنوعیت صدور چک، تعلیق گواهینامه، لغو پروانه کسب و کنترل الکترونیکی. ذکر این نکته خالی از فایده نیست که در شریعت اسلامی زندان در هر دو نوع تأدیبی و احتیاطی بر اساس ضرورت و با حفظ کرامت انسانی به منظور پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح، تعبیه شده است. لیکن در قانون مجازات اسلامی ایران، حبس هم به عنوان مجازات جرایم حدودی، قصاصی و تعزیری به کار گرفته شده است هم دیگر جرایم کم اهمیت؛ لذا این امر تکرر عناوین مجرمانه را در پی داشته و مشکلات عدیده‌ای را بر دستگاه قضا و حکومت تحمیل کرده است. از این رو مصلحت اقتضا می‌نماید که اصل حبس‌زدایی از منظر قانون، حاکم و نهادینه گردد.

پیشگیری از وقوع جرم

پیشگیری در لغت به معنی مانع شدن است و پیشگیری از وقوع جرم در اصطلاح جرم‌شناسی به مجموعه اقدام‌هایی (جز تدابیر کیفری) گفته می‌شود که هدف نهایی آن محدود کردن گستره جرایم و ناممکن ساختن، دشوار کردن یا کاستن امکان وقوع جرم باشد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۷۴۹). در بند الف ماده یک لایحه پیشگیری از وقوع جرم آمده است، پیشگیری از جرم عبارت است از «پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدام‌های لازم برای از بین بردن و کاهش آن». مؤلفه‌های این مفهوم اقدامات قهرآمیز و سرکوبگر نمی‌باشد؛ بلکه در بردارنده شیوه‌های گوناگونی است که از شمار جرم بکاهد (لازرز، ۱۳۸۱، ص ۱۱) و به سه گونه پیشگیری نخستین، پیشینی و پسینی تقسیم می‌شود.^۱

۱- پیشگیری نخستین در برگیرنده اقداماتی است که جهت‌گیری آن بر هم زدن اوضاع و احوال جرم‌زا در محیط فیزیکی و اجتماعی است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲، ص ۷۴۹) و شامل تدابیر و اقداماتی علیه بزهکاری است. پیشگیری پیشینی (دومین) به دنبال شناسایی و جلوگیری از بزهکاری افرادی است که بیش از دیگران در معرض خطر انجام بزهکاری هستند (صفاری، ۱۳۸۰، ص ۲۸۱) در این پیشگیری افرادی که در شرایط بحرانی

پیشگیری از وقوع جرم به جای مجازات سریع و صریح یکی از اصول اساسی و مهم در حقوق پیشرفته اسلام است؛ زیرا سیستم حقوقی اسلام، بر اساس آیه شریفه «*تد کرما بنی آدم...*» به جای کیفر و تعذیب به دنبال اصلاح، تربیت و بازگرداندن مجرمان به صحنه حیات اجتماعی است.

اسلام اصل را بر پیشگیری از وقوع جرم قرار داده که این امر به وسیله ابزارهایی مثل امر به معروف و نهی از منکر، رعایت اصالةالبرائه، اصل عدم اشاعه فساد و نقل و ذکر جرم، عدم اظهار و سرپوش نهادن بر جرایم، در سیاست‌های جنایی اسلام مورد توجه قرار گرفته است (پورهاشمی، ۱۳۸۳، ص ۱۷).

بر اساس بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، پیشگیری از وقوع جرم از وظایف ذاتی قوه قضاییه به شمار می‌رود؛ لیکن تنها با فعالیت‌های فرهنگی و تأکید بر نهادینه کردن ارزشها و هنجارها در حوزه فردی و اخلاق اجتماعی نمی‌توان به دنبال پیشگیری از وقوع جرم بود، بلکه ساختار کلی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و قضایی نیز نقش اساسی در پیشگیری از وقوع جرم دارد.

در جامعه‌ای که فقر، تبعیض و بیکاری از دلایل مهم ارتکاب جرایم می‌باشد، اگر برقراری عدالت سر لوحه اقدام‌های حکومت و دستگاه اجرایی قرار گیرد، زمینه‌های وقوع جرم در جامعه کاهش می‌یابد؛ زیرا احساس عدالت باعث اطمینان عمومی مردم شده، در نتیجه انسجام اجتماعی و احترام به قانون را به ارمغان خواهد آورد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

جرم‌زا قرار دارند مورد شناسایی قرار گرفته، سپس با اعمال اقدامات مناسب پیشگیرانه احتمال بزهکاری آنها کاهش خواهد یافت. پیشگیری پسینی یا پیشگیری از تکرار جرم در برگیرنده آن دسته از تدابیر است که پس از وقوع جرم و به منظور جلوگیری از بزهکاری دوباره افراد اعمال می‌شود و با استفاده از ساز و کارهای دستگاه عدالت کیفری در تلاش است تا با رویکردی اصلاحی - درمانی از وارد شدن دوباره بزهکار به وادی بزهکاری جلوگیری کند (نیاز پور، ۱۳۸۳، ص ۲۱۰).

ساختار اقتصادی نیز تأثیر بسزایی بر پیشگیری از وقوع جرم دارد؛ به اعتقاد جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان عامل اقتصادی از عوامل اساسی و محوری در وقوع جرایم می‌باشد.

اختلاف طبقات اجتماعی، افزایش بی‌رویه ثروت و تراکم آن در دست اقشاری معدود و در نتیجه گسترش فقر در قشر اکثریت جامعه، حاصل نظام و ساختار اقتصادی فاسدی است که خود در گسترش جرم و جنایت تأثیر مستقیم دارد و جوامع را به سقوط و انحطاط می‌کشاند.

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید «آن گاه که مردم حق رهبری را ادا کنند و زمامداران حق مردم را بپردازند، حق در آن جامعه عزت یابد و راه‌های دین پایدار و نشانه‌های عدالت برقرار و سنت رسول الله (ص) پایدار گردد. پس روزگار اصلاح شود و مردم در تداوم حکومت امیدوار و دشمن در آرزوهایش مأیوس گردد» (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۴۴۳).

مولای متقیان همچنین به مالک اشتر می‌نویسد «خدا را! خدا را! در خصوص طبقات پایین و محروم جامعه که هیچ چاره‌ای ندارند؛ گروهی خویشترنداری می‌کنند و گروهی به گدایی دست نیاز بر می‌دارند. پس برای خدا پاسدار حقی باش که خداوند برای این طبقه معین فرموده است؛ زیرا برای دورترین مسلمانان همانند نزدیک‌ترین ایشان سهمی وجود دارد و تو مسؤول رعایت آن می‌باشی» (همو، ص ۵۸۳).

اسلام اجرای عدالت اقتصادی بر پایه بهره‌گیری از سیستم اقتصادی صحیح و مطابق با شریعت را، یکی از وظایف واجب حکومت‌ها می‌داند؛ لذا اصول ۲۸ - ۳۱ و ۴۳ و ۱۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ناظر به امور فوق می‌باشد. میشل فوکو می‌نویسد «از هر ۱۰ جانی، قاتل، دزد و اوباش ۹ نفرشان از همان جایی بیرون می‌آیند که ما آن را قاعده هرم اجتماعی می‌نامیم و همان عواملی که قبل از ورود به زندان عامل بزهکاری محکومان به زندان بوده‌اند، پس از خروج وی با شدت و حدت بیشتری خودنمایی و عمل خواهند کرد؛ بدین علت تعجب‌آور نیست که چنین فردی دوباره مرتکب جرم شود و به آغوش زندان بازگردد» (فوکو،

۱۳۷۸، ص ۳۶). از نظر افلاطون قانونگذار باید مجرم را مانند بیماری که محتاج درمان است، بنگرد و به او یاد دهد که چگونه از ارتکاب گناه خودداری کند (دانش، ۱۳۴۸، ص ۱۲).

لذا از آنجایی که پیشگیری از بزهکاری امری ملی است، باید با رویکردی ملی و فرابخشی به آن نگرست تا با مشارکت و هماهنگی منسجم همه نهادهای عدالت کیفری مانند نیروی انتظامی و دستگاه قضایی، نهادهای دولتی، اجرایی مثل وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و سازمان بهزیستی و نهادهای جامعه‌ی و مدنی، اسباب کاهش میزان بزهکاری فراهم شود و مکانیزم‌هایی طراحی شود که از کلیه ظرفیت‌های علمی و پژوهشی کشور برای قانونگذاری و مبارزه با جرایم و کاهش آن استفاده شود.

جایگاه توبه در سیستم قضایی اسلام

بزرگترین هدف بعثت پیامبران تهذیب، تزکیه و پرورش نفوس انسانها بوده است (آل عمران، ۱۶۴). و پیامبر اکرم (ﷺ) نیز به کرامت انسان‌ها توجه ویژه‌ای مبذول داشته‌اند «*إنما بعثت لأتمم مكارم الأخلاق*» کرامت اجتماعی نیز در گستره جامعه اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد، و از مختصات بارز جامعه اسلامی شمرده می‌شود. دین مبین اسلام، دین ستاریت و عیب‌پوشی است و وسعت گستره اغماض شریعت درباره گناهان و جرایم بشر متناسب با این ویژگی و بنابر مصلحت عدم شیوع جرم شکل گرفته است. در سوره مؤمن، فرشتگان حامل عرش الهی و آنان که بر گرد عرش تسبیح گویانند، برای مؤمنان آمرزش طلبیده، دعا می‌کنند که «ای پروردگار ما رحمت و علم تو همه چیز را فرا گرفته است؛ پس آنان را که توبه کرده‌اند و به راه تو آمده‌اند، بیامرز و از عذاب جهنم نگاهدار» (مؤمن، ۷). همچنین در آیات بسیاری از کلام الله مجید مثل آیات ۱۰۹ و ۱۶۰ بقره، ۸۹ آل عمران، ۴۶ نساء

و... خداوند با توجه به شأن و کرامت انسانها سفارش به «تابوا واصلحوا» نموده و صاحبان حق را دعوت به گذشت و اغماض می‌نماید^۱.

خداوند بندگان را به آمرزش و مغفرت بشارت داده و آنها را از تکرار جرایم نهی می‌نماید «به بندگانی که بر نفس خود اسراف کرده‌اند، بگو هرگز از رحمت خدا ناامید مباشید. خداوند همه گناهان شما را خواهد بخشید که او خدای آمرزنده و مهربان است» (زمر، ۵۳). و آنهایی را که از رحمت خداوند ناامید هستند کافر می‌نامد^۲. خداوند در آیه ۱۳ سوره مائده پیامبر اکرم (ﷺ) را مأمور به عفو و اغماض می‌نماید و در آیه ۸۵ سوره حجر می‌فرماید «گذشت کن، گذشتی زیبا» و امتش را «اِنَّهٗ عَلَ الْكٰفِرِ وَّ رَحْمٰهٖ بَيْنَهُمْ» می‌خواند (فتح، ۲۹). لذا نقش اساسی توبه را در نظام قضایی اسلام، چه قبل از ورود به محکمه و چه پس از اثبات جرم، نباید نادیده گرفت.

نقش مهم توبه در نفی مجازات قبل از ورود به محکمه^۳ از آن جهت است که شریعت، هدایت و اصلاح را فی حد ذاته اراده کرده است، نه از طریق مجازات کردن. معصومان علیهم‌السلام نیز توجه ویژه‌ای به توبه و اصلاح مجرمان داشته‌اند. حضرت علی (علیه‌السلام) از مقر به زنا پرسید: چرا چنین اقرار می‌کنی؟ وی پاسخ داد: برای اینکه پاک شوم. حضرت فرمود «چه پاکی برتر از توبه؟» و سپس فرمود «آیا کسی از شما که مرتکب گناه می‌شود، نمی‌تواند گناهانش را پنهان بدارد، چنان که خداوند آنها را پنهان داشته است» (الحرالعالمی، ۱۴۱۴ هـ ج ۱۸، ص ۲۳۷).

از ایشان نقل شده است «اگر زن مرتد گردد زندانی می‌شود تا توبه کند (مسلمان شود) یا بمیرد؛ اما کشته نمی‌شود (التیمی المغرّبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۸۰). بر

۱- «الا الذین تابوا من بعد ذلک و اصلحوا فان الله غفور رحیم» (آل عمران، ۸۹): «ثم ان ربک للذین عملوا السوء بجهالة ثم تابوا بعد ذلک و اصلحوا ان ربک من بعدها لغفور رحیم» (نحل، ۱۱۹).

۲- «ولا تأسوا من روح الله، انه لا یبأس من روح الله الا القوم الکافرون» (یوسف، ۸۷).

۳- «الا الذین تابوا من قبل ان تقدروا علیهم» (مائده، ۳۴).

این اساس فقها حتی پس از اثبات جرم و محکومیت نیز عفو و آزادی زندانی را در صورت ظهور توبه از وی و اصلاح، جایز دانسته‌اند (الدمشقی، ۱۴۱۸ هـ. ص ۷۱۸). گاه امام می‌بیند زندانی اصلاح شده و توبه کرده و در او تغییر ایجاد شده است لذا صلاح را در این می‌بیند که او را آزاد کند (ابن بابویه قمی، ۱۴۱۵ هـ. ص ۸۲).
آیت الله شاهرودی با تأکید بر استفاده قضات از ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی بیان می‌کند «درخواست عفو و بخشودگی می‌تواند یکی از ابزارهای مساعد برای هیأت‌های ویژه معاضدت قضایی برای آزادی زندانیان باشد (پورهاشمی، ۱۳۸۳، ص ۴۰).

عدالت ترمیمی

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۵ قطعنامه شماره ۳۴ - ۴۰ را با عنوان «اصول بنیادی عدالت راجع به بزه‌دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت» در ۲۱ اصل کلی به تصویب رسانید و در اصول آن نه تنها به جبران خسارت بزه‌دیده پرداخت، بلکه با احصاء برنامه‌ها و شیوه‌های ترمیمی فرآیندهای جامعه‌وی و غیررسمی را به عنوان بدیل فرآیندهای قضایی در رسیدگی به منازعات مطرح نمود. این قطعنامه مبنای تصویب قطعنامه شماره ۲۰۰۲/۱۲ آن سازمان تحت عنوان (اصول بنیادی راجع به استفاده از برنامه‌های ترمیمی در امور کیفری) در ۱۵ سال بعد، یعنی ۲۴ ژوئیه ۲۰۰۲ واقع شد که مشتمل بر ۲۳ اصل بود و صراحتاً بر عدالت ترمیمی تأکید می‌نمود و اصول راهبردی کلی را برای ایجاد ساز و کارهای ترمیمی و چگونگی قانونگذاری تفصیلی آنها را به دولت‌های عضو ارائه می‌کرد. فرآیند ترمیمی شامل میانجیگری، سازش، آشتی، جلسه بحث و گفتگو و شورای تعیین مجازات است و هر یک از برنامه‌های ترمیمی مستلزم برگزاری جلسات متعدد می‌باشد که در آن علل و آثار جرم کالبدگشایی شده، قصور و مسئولیت هر یک بویژه بزه‌کار در وقوع جرم و رفع آثار نامطلوب آن تعیین می‌گردد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴، ص ۷-۱).

در فرآیند عدالت ترمیمی بزه‌دیدگان مستقیم و غیرمستقیم و بزه‌کار، به منظور حل و فصل جمعی مسائل ناشی از جرم ارتكابی فعالانه شرکت می‌نمایند و مطابق اصول ۱۲ و ۱۹ قطعنامه از حضور و کمک یک پیش‌برنده یا تسهیل‌کننده مذاکره و گفتگو بهره می‌برند که دوره‌های آموزشی لازم را گذرانده و شناخت کافی از فرهنگ و آداب و رسوم جامعه محلی مربوطه داشته باشد. پیش‌برنده نقش تعیین‌کننده دارد و وظیفه خود را بی‌طرفانه و همراه با احترام به کرامت بزه‌دیده و بزه‌کار انجام داده، به آنها اجازه و فرصت می‌دهد تا راهکار مناسب و مرضی‌الطرفین را پیدا کنند و بین آنها کدورت‌زدایی و فصل خصومت شود (اصل ۱۸). توافقات حاصل شده در جریان فرآیند ترمیمی بویژه نسبت به بزه‌کار باید شامل تعهدات و تکالیف معقول و متناسب برای او باشد (اصل ۷) و در واقع اصل تناسب جرم و مجازات در آن رعایت شود و شرکت بزه‌کار در فرآیند ترمیمی نباید دلیل بر اقرار وی به مجرمیت خود تلقی شده و در صورت عدم سازش در فرآیند قضای کیفری علیه او مورد استفاده قرار گیرد (اصل ۸). در صورت عدم دستیابی طرفین به توافق، پرونده به فرآیند قضایی کیفری ارجاع می‌گردد (اصول ۱۶ و ۱۷).

در واقع عدالت ترمیمی فرصتی را در اختیار بزه‌دیده و بزه‌کار قرار خواهد داد تا در مورد خودشان تحت راهنمایی‌های میانجی صحبت کنند. عدالت ترمیمی بزه‌دیدگان را به عنوان نقطه آغازین خود مد نظر قرار داده است. اصل مبنایی در عدالت ترمیمی ارائه مساعدت به افرادی است که مورد صدمه واقع شده‌اند و رسیدگی به بزه‌کاران در مرحله بعدی قرار دارد (رایت، ۱۳۸۴، ص ۱۷).

در عدالت ترمیمی محوریت با یکپارچه سازی؛ (باز اجتماعی نمودن بزه‌کار و بازسازی وی با جامعه) از بین بردن عدم توازن و ترمیم روابط مخدوش شده می‌باشد و مرکزیت با مورد عفو قرار دادن، قابل درمان بودن بزه‌کار، ایجاد روابط دوستانه، مراقبت و شفقت می‌باشد.

فرآیند عدالت ترمیمی پذیرش مسئولیت و پاسخگویی را به جای مخالفت با قبول آن تشویق می‌نماید و فرهنگ جدید حقوق بشر و پذیرش مسئولیت را مورد حمایت قرار می‌دهد. در پاسخ به این سؤال که آیا عدالت ترمیمی موجب بازدارندگی از ارتکاب جرم (ارعاب) خواهد شد؟ باید اذعان نمود اولاً - ملاقات با بزه‌دیده تجربه‌ای مرعوب‌کننده برای بزه‌کار می‌باشد؛ ثانیاً - ارعاب اصولاً گزینه بازدارنده‌ای نمی‌باشد. در نظام ترمیمی به طور منطقی، کاهش جرم بر مبنای تدابیر کاهش جرم استوار است. البته حقوق‌دانان، تئوری سنتی حقوق کیفری را به عنوان مینا پذیرفته‌اند و سعی دارند عدالت ترمیمی را با آن منطبق نمایند.

این الگو می‌تواند به صورت تدریجی و مرحله به مرحله، نظام عدالت کیفری را اصلاح نموده و بهبود بخشد و تلاش در استمرار و ارائه راه‌های گوناگون دستیابی به آن این نتیجه را در پی خواهد داشت که مرکز ثقل، از عدالت کیفری و سرکوبگر به عدالت ترمیمی سوق داده شود. در این صورت، عدالت ترمیمی به مفهوم واقعی اصلی راهبردی محسوب خواهد شد.

عدالت ترمیمی ایده‌ای بزرگ، فلسفه‌ای متقاعدکننده و الهامی شکوهمند است، اما الگویی جدید نیست. بلکه در جای جای تعالیم اسلامی به گونه عام و خاص توصیه و تأکید بر بکارگیری مؤلفه‌های آن را مشاهده می‌نماییم.

یافته‌های تحقیق

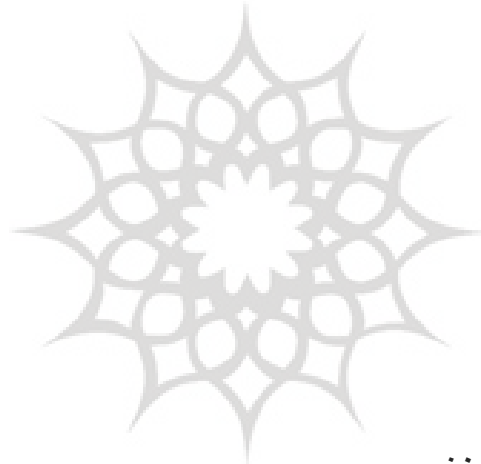
- دادرسی و گسترش عدل از لوازم جوامع بشری بوده و مؤکداً مورد سفارش شرح مقدس اسلام نیز قرار گرفته است، لیکن سیستم قضایی کنونی چه در سیاست‌گذاریهای کلی و جزئی و چه در تقنین و نحوه اجرای قوانین با برخی آسیب‌ها و نواقص مواجه بوده و این امر نه تنها موانعی را برای دستگاه قضا در عدل‌گستری ایجاد کرده بلکه منجر به برخی ناهنجاریهای اجتماعی و فرهنگی گردیده و ضرورت توسعه قضایی به معنای تحول بنیادین و اساسی در سیستم قضا را ایجاب نموده است.

- سیاست جنایی نوین تاکنون موفق به استیلا بر توسعه مدام جرایم نشده است و به نظر می‌رسد ساز و کارهایی نظیر قضازدایی، جرم‌زدایی و زندان‌زدایی کارایی کافی و وافی را در راستای تحقق توسعه قضایی نداشته‌اند، لذا ضروری است محورهای فوق و قوانین و آیین‌نامه‌های مربوط با رویکردی جامعه‌شناختی و جرم‌شناختی مورد بازبینی دقیق قرار گیرد.

- پیشگیری از وقوع جرم به عنوان یکی از اصول پیشرفته در فرهنگ اصیل اسلامی ملحوظ است و از آنجا که امری ملی است باید تمام امکانات موجود در دستگاه‌های اجرایی در راستای آن بکار گرفته شود.

- شارع مقدس به رغم اینکه اصل تناسب جرم و مجازات را پذیرفته، اشعار به علت وقوع جرم نیز داشته است و مجازات‌ها را به گونه‌ای تعبیر نموده که نه از انسان سلب مسؤولیت شود و نه علل وقوع جرم مغفول بماند و به تناسب اراده، اختیار و فعل مباشر، هم در صدد ترمیم اثرات بزه است و هم در صدد تحقق مجازات. اما قصد انتقام‌گیری از خاطی را ندارد بلکه تهاتف، اصلاح و توبه خطاکار را همواره مد نظر قرار داده و برای توبه، چه قبل از اثبات جرم و چه بعد از آن، جایگاه ویژه‌ای در نظر گرفته و به صاحبان حق در صورت عفو و عده اجر الهی داده است.

- جنبش عدالت‌ترمیمی در دهه اخیر با اقبال جوامع روبرو شده است؛ زیرا با خارج ساختن پرونده از دستگاه عدالت کیفری به رفع کدورت بین بزه‌کار و بزه‌دیده و ترمیم اثرات بزه پرداخته، لیکن ایده نوینی را مطرح ننموده است. این ایده به وجه اتم و اکمل ریشه در اعماق فرهنگ اصیل اسلامی دارد. لذا ضروری است دستگاه قضایی اسلامی با نهادینه کردن فرهنگ عدالت‌ترمیمی مؤلفه‌های آن را با پایه‌گذاری بر مبانی شرعی تقویت نماید و در تقنین و بازبینی قوانین مد نظر قرار دهد.



منابع و مأخذ

- ✓ القرآن الكريم
- ✓ ابن بابويه قمی، محمد بن علی بن الحسین، المقنع، قم، مؤسسه الامام الهادی، ۱۴۱۵هـ

- ✓ انسل، مارک، *دفاع اجتماعی*، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی
ابرنندآبادی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵
- ✓ انصاری، مسعود و طاهری، محمد علی، *مجموعه دانشنامه حقوق
خصوصی*، تهران، محراب فکر، ۱۳۸۴
- ✓ براتی نیا، محمود، «بررسی چالش‌ها و راهکارهای اساسی برای وصول
به توسعه قضایی در قوه قضاییه ایران»، مجموعه مقالات توسعه قضایی،
تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات، ۱۳۸۱
- ✓ برول، هنری لوی، *حقوق و جامعه شناسی*، ترجمه مصطفی رحیمی.
تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۱
- ✓ پورهاشمی، سید عباس، *زندان هنر تنبیه یا مجازات قانونی*، تهران، مرکز
مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۸۳
- ✓ التیمی المغربي، النعمان بن محمد، *دعائم الاسلام*، قم، مؤسسه النشر
الاسلامی، بی‌تا
- ✓ جوانفر، عباس، *حبس زدایی، ضرورتی ناگزیر*، نشریه اصلاح و تربیت،
شماره ۴۷، ۱۳۸۴
- ✓ الحر العاملی، محمد بن الحسن، *وسائل الشیعه*، بیروت، دارالاحیاء التراث
العربی، ۱۴۱۴هـ
- ✓ دانش، تاج زمان، *حقوق زندانیان و علم زندان‌ها*، تهران، انتشارات دانشگاه
تهران، ۱۳۶۸
- ✓ دشتی، محمد، *ترجمه نهج البلاغه*، قم، دانش، ۱۳۷۹
- ✓ دمشقی، الحافظ ابن کثیر، *البدایه و النهایه*، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۸هـ
- ✓ رایت، مارتین و دیگران، *عدالت ترمیمی*، ترجمه امیر سماواتی پیروز،
تهران، خلیلیان، ۱۳۸۴
- ✓ رنه، دیوید، *نظامهای بزرگ حقوقی معاصر*، ترجمه حسین صفایی و
محمد

- آشوری و عزت الله عراقی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۶۹
- ✓ رهگشا، امیرحسین، *نگاهی به شوراهاى حل اختلاف*، تهران، انتشارات دانشور، ۱۳۸۵
- ✓ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۴هـ
- ✓ صفاری، علی، *مبانی نظری پیشگیری وضعی از جرم*، تهران، دو فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۳۳ - ۳۴، ۱۳۸۰
- ✓ طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، *تهذیب الاحکام*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰هـ
- ✓ فوکو، میشل، *مراقبت و تنبیه*، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان دیده، تهران، نشر نی، ۱۳۷۸
- ✓ لازرژ، کریستین، *درآمدی بر سیاست جنایی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، میزان، ۱۳۸۱
- ✓ محمد نژاد، پرویز، *حبس‌زدایی و حبس‌زایی در کتاب تعزیرات*، تهران، ماهنامه اصلاح و تربیت، ۱۳۸۴
- ✓ محمدی ری شهری، محمد، *میزان الحکمه*، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۶هـ
- ✓ مطهری، مرتضی، *مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی*، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۲
- ✓ مفید، ابو عبدالله، *المقنعه*، قم، مؤسسه نشر الاسلامی، ۱۳۴۱هـ
- ✓ می‌ری دل‌ماس، مارتی، *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، میزان، ۱۳۸۱
- ✓ نجفی ابرندآبادی، علی حسین، *دیباجه بر جرم، بزه‌دیدگان و عدالت*، تهران، خلیلیان، ۱۳۸۴
- ✓ همو، *دانشنامه جرم‌شناسی*، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، کتابخانه گنج

دانش، ۱۳۷۷

✓ نیازپور، امیرحسین، *پیشینه بزه‌کاری در ایران و لایحه پیشگیری از وقوع جرم*، فصلنامه حقوقی دادگستری، تهران، قوه قضاییه، ۱۳۸۳



شپوهنگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی